

قاضی بُست

واژگان

۱- با توجه به مفهوم عبارات زیر، معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.

الف) شمار آن به قیامت مرا باید داد، به هیچ حال، این عهده قبول نکنم.

**پاسخ.** به هیچ حال: به هیچ وجه/ عهده: مسئولیت

ب) تو باز آی که پیغامی ست سوی بونصر در بابی، تا داده آید.

**پاسخ.** دربابی: در موردی/ داده آید: گفته شود، دستود داده شود.

پ) نیک کوفته شد و پای راست، افگار شد.

**پاسخ.** کوفته: زخمی/ افگار: خسته و زخمی

ت) روز دوشنبه، امیر {مسعود}، شبگیر، برنشست.

**پاسخ.** شبگیر: سحرگاه، صبح زود

ث) حَشَم و ندیمان و مطربان و خوردنی و شراب بردند و صید بسیار به دست آمد.

**پاسخ.** حَشَم: خدمتکاران

ج) مخنقه در گردن داشت.

**پاسخ.** مخنقه: گردنبند

چ) امیر کشتی ها بخواست و ناوی ده بیاوردند.

**پاسخ.** ناوی: قایق، کرجی

ح) به آغاچی خادم نامه ها می دادم و خیر خیر جواب می آوردم.

**پاسخ.** خیر خیر: سریع

خ) خيلتاشان و سوار را گسيل کرده.

**پاسخ.** خيلتاشان: گروه نوکران و چاکران

د) بانگ و هزاهز و غریو برخاست.

**پاسخ.** هزاهز: فریاد، غوغا

(ذ) تب سوزان و سرسامی افتاد، چنان که بار نتوانست داد.

**پاسخ.** سرسام: سردرد همراه با هذیان/ بار: اجازه

(ر) این صِلَتِ فخر است، پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست.

**پاسخ.** صِلَت: جایزه، بخشش

(ز) و از کس چیزی نستانند و اندک مایه ضیعتی دارند.

**پاسخ.** ضیعت: زمین کشاورزی، زمین زراعی

(ژ) عَلی آئُ حال، من نیز فرزند این پدرم.

**پاسخ.** علی آئُ حال: به هر حال

### معنی عبارات

۲- روز دوشنبه، امیر {مسعود} شبگیر، برنشست و به کران رود هیرمند رفت.

**پاسخ.** روز دوشنبه، امیر مسعود، سحرگاه سوار بر اسب شد و به کنار رود هیرمند رفت.

۳- امیر گفت: «امروز، دُرستم و در این دو سه روز، بار داده آید که علّت و تب، تمامی زایل شد.»

**پاسخ.** امیر گفت: «امروز سالم هستم و در چند روز آینده ملاقات عمومی ترتیب دهید زیرا که بیماری و تب به طور کلی از بین رفته است.»

۴- تا خویشتن را ضعیفکی پاسخال خَرند و فراخ تر بتوانند زیست.

**پاسخ.** تا آن ها برای خودشان زمین زراعتی پاسخال بخردند و بتوانند بهتر و راحت تر زندگی کنند.

۵- این صِلَتِ فخر است. پذیرفتم و بلز دادم که مرا به کار نیست.

**پاسخ.** این پاداش، مایه ی افتخار است، آن را قبول می کنم و دوباره پس می دهم زیرا به آن نیاز ندارم.

۶- بزرگا که شما دو تنید. «لِلهِ دُرُگُما.»

**پاسخ.** شما دو نفر چقدر بزرگوار هستید، خدا خیرتان بدهد.

۷- این مرد بزرگ به نشاط، قلم در نهاد. تا نزدیک نماز پیشین، از این مهمّات، فارغ شده بود.

**پاسخ.** این مرد بزرگ با خوشحالی شروع به نوشتن کرد، تا نزدیک نماز ظهر، این کارهای بزرگ را انجام داد.

۸- امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید.

**پاسخ.** پادشاه که از مرگ نجات یافته بود، به خیمه وارد شد و لباسش را عوض کرد.

۹- تا نماز پیشین، از این مهمّات، فارغ شده بود و خيلتاشان و سوار را گسیل کرده . پس، رقعتی نشست به امیر و هرچه کرده بود باز نمود و مرا داد.

**پاسخ.** و تا نماز ظهر، کارهای مهم، تمام شده بود و چاکران و امیران و سواران را فرستاد؛ بعد از آن، نامه ی کوتاهی به امیر نوشت و تمام کارهایی را که انجام داده بود، گزارش کرد و به من داد.

۱۰- نگویم که مرا سخت دربایست نیست اما چون به آن چه دارم و اندک است قانعم، وزر و وبال این، چه به کار آید؟

**پاسخ.** من نمی گویم که این زرها به کار من نمی آید . (به درد من نمی خورد) اما چون من به همین مال اندکی که دارم، قانعم، حاضر نمی شوم که مسئولیت آن را به گردن بگیرم و مجازات آن را بپذیرم.

۱۱- بانگ و هزاهز و غریو برخاست. و هنر آن بود که کشتی های دیگر به او نزدیک بودند.

**پاسخ.** ناگهان فریاد و غوغا و آشوب بلند شد و بخت و اقبال با او بود که کشتی های دیگر نزدیک کشتی امیر مسعود بودند.

۱۲- ناگاه، آن دیدند که چون آب نیرو کرده بود و کشتی پر شده، نشستن و دریدن گرفت.

**پاسخ.** ناگهان متوجّه شدند که شدّت جریان آب، بیش تر شده و کشتی از آب، پر شده و در حال غرق شدن است.

۱۳- و از بسیاری نُکت، چیزی که در او کراهیتی نبود می فرستاد فرودسرای به دست من و من، به آعاجی خادم می دادم و خیر خیر جواب می آوردم.

**پاسخ.** از فراوانی مطالب، نامه هایی را که موردی ناپسند نداشت (پسندیده بود) به طبقه ی پایین ساختمان می فرستاد و من سریع جواب ها را می آوردم.

۱۴- امیر با بازان و یوزان و حَسَم و ندیمان و مطربان و خوردنی و شراب بُردند.

**پاسخ.** شاه، همراه خود پرندگان شکاری، حیوانات شکاری، خدمتکاران و نزدیکان، نوازندگان، وسایل خوردنی و شراب برده بود.

۱۵- چون پادشاه را سلامت یافتند، خروش و دعا بود از لشکری و رعیت و چندان صدّقه دادند که آن را اندازه نبود.

**پاسخ.** وقتی فهمیدند، که شاه سلامتی خود را به دست آورده فریاد شادی و سپاس گزاری به درگاه خدا از سپاهیان و مردم عادی بلند شد و آنقدر صدقه دادند که حدّ و اندازه ای نداشت.

۱۶- و ما حقّ این نعمتِ تندرستی که باز یافتیم، لختی گزارده باشیم.

**پاسخ.** ما (امیر مسعود) به شکرانه ی سلامت و تندرستی که باز یافته ایم کمی از وظیفه ی شکرگرای خود به درگاه خداوند را انجام داده باشیم.

۱۷- گفت: «زندگانی خداوند دراز باد؛ حالِ خلیفه دیگر است که او خداوند ولایت است.»

**پاسخ.** گفت: عمرِ سلطان، طولانی باشد زندگی خلیفه به شکل دیگری است چون حاکم این سرزمین است.

۱۸- بونصر بگریست و ایشان را باز گردانید و باقیِ روز، اندیشه مند بود و از این یاد می کرد.

**پاسخ.** بونصر مشکان گریه کرد و آن ها «قاضی ابوالحسن و پسرش» را برگرداند (مرخص کرد) و بقیه ی روز، ناراحت و غمگین بود و این واقعه را فراموش نمی کرد.

### درک مطلب و خودآزمایی

۱۹- دو نمونه از ویژگی های نثر بیهقی را در این درس بیابید؟

**پاسخ.** ویژگی های نثر بیهقی:

(۱) کوتاهی جملات (ایجاز)

(۲) به کار بردن بیش از حدّ افعال و قیدها.

(۳) به کار بردن کلمات خاصّ خراسانی مثل «نشستن و دریدن گرفت.»

(۴) توصیف و معرفی صحنه ها و شخصیت ها و گروه ها

۲۰- پیام اصلی درس قاضی بُست چیست؟

**پاسخ.** پیام اصلی درس خودداری از مال شبهه ناک، و مناعت طبع و قناعت.

۲۱- معادل امروزی «جامه بگردانید.» چه واژه یا ترکیباتی است؟

**پاسخ.** جامه بگردانید یعنی لباس هایش را عوض کرد.

۲۲- با توجه به عبارت «... و این حال ها را به بونصر بگفتیم و این دبیر کافی، به نشاط، قلم در نهاد . تا نزدیک نماز پیشین. از این مهمّات فارغ شده بود و خيلتاشان و سوار را، گسیل کرده ...» منظور از قسمت های مشخص شده چیست؟

**پاسخ.** مفهوم عبارت (این دبیر کافی ، به نشاط قلم در نهاد )، یعنی، این نویسنده با لیاقت و با کفایت، با شادی و خوشحالی، شروع به نوشتن کرد و عبارت (از این مهمّات، فارغ شده بود)؛ یعنی، تا نزدیک نماز ظهر، کارهای مهم را انجام داد.

۲۳- منظور قاضی بُست از بیان مطلب زیر چیست؟

« و نگویم که مرا سخت در بایست نیست . اما چون به آن چه دارم و اندک است قانعم، وزر و ویال این، چه به کار آید؟»

**پاسخ.** منظور این است که قاضی بُست یک شخص با مسئولیت و با ایمانی است که به آن چه خود دارد، قانع است.

۲۴- منظور از عبارت «شمار آن به قیامت مرا باید داد.» چیست؟

**پاسخ.** منظور، آن است که باید در روز قیامت بازخواست شوم. (حساب پس بدهم).

۲۵- با توجه به عبارات زیر به سؤالات آن پاسخ دهید.

بونصر گفت: «ای سُبْحان الله؛ زری که، سلطان محمود به غزو از بت خانه ها به شمشیر بیاورده باشد، و بتان شکسته و پاره کرده و آن را امیرالمؤمنین می روا دارد و ستدن، آن، قاضی همی نستاند؟» قاضی گفت: «حال خلیفه دیگر است و خواجه با امیر محود به غزوه ها بوده است و من نبوده ام و بر من پوشیده است که آن غزوه ها بر طریق سُنّت مصطفی هست یا نه. من این نپذیرم.»

الف) منظور از گفتن کلمه **سُبْحان الله** چیست؟ نظیر آن، چه کلمه یا چه ترکیبی وجود دارد؟

**پاسخ.** ترکیب **سبحان الله** بیانگر تعجب و شگفتی است و معادل آن، اصطلاح امروزی «جَلّ الخالق» است.

ب) سلطان محمود غنایم جنگی را چگونه به دست آورده بود؟

پاسخ. غنایم جنگی را از طریق جنگ با هندوان به دست آورده است.

پ) چه چیزی برای قاضی بُست پنهان و پوشیده است؟

**پاسخ.** مطلبی که برای قاضی بُست پوشیده بود، این بود که نمی دانست چگونه غنایم جنگی به دست آمده، پاسخ‌ال بوده یا غیر از آن؟

ت) منظور قاضی از گفتن عبارت «**حالِ خلیفه دیگر است.**» چیست؟

**پاسخ.** منظور قاضی از گفتن جمله ی «**حالِ خلیفه دیگر است.**»؛ یعنی، شرایط و موقعیت خلیفه با من تفاوت دارد.

۲۶- از عبارت «بونصر، نامه هایی رسیده را، به خطّ خویش، نُکّت، بیرون می آورد و می فرستاد فرود سرای به دست من و من به آغاجی خادم می دادم و خیر خیر جواب می آوردم.» کدام موضوع برداشت می شود و منظور از **من** در عیالوات بالا چیست؟

**پاسخ.** منظور آن است که مکاتبات، از طریق بونصر مشکان و ابوالفضل بیهقی و سپس خادم مخصوص سلطان مسعود، به خود شاه می رسید و منظور من از، ابوالفضل بیهقی است.

۲۷-منظور نویسنده از بیان «سخنی نرانم تا خوانندگان این تصنیف گویند شرم باد این پیر را» چیست؟

**پاسخ.** منظور این است که بیهقی، مطالب کذب و دروغ و دور از واقعیت را نخواهد نوشت که باعث شرمندگی و تحقیر او شود.

۲۸- با توجه به عبارت «اما ایزد، رحمت کرد، پس از نمودن قدرت و سوری و شادی ای به آن بسیاری، تیره شد و چون امیر به کشتی رسید، کشتی ها برانندند و به کرانه ی رود رسانیدند.» رحمت و قدرت خداوند، چگونه مطرح شده است؟

**پاسخ.** آن بخش از داستان که کشتی ها غرق شدند، بیانگر قدرت خداوند و آن قسمت که امیر نجات پیدا می کند، نشانه ی لطف و رحمت اوست.

### آرایه های ادبی

۲۹- در عبارت زیر چه آرایه هایی وجود دارد؟

«پس، به کران آب فرود آمدند و خیمه ها و شرع ها زده بودند. نان بخورید و دست به شراب کردند.»

**پاسخ.** آرایه ها عبارتند از:

الف) نان بخوردند: کلمه **نان** مجاز از غذاست.

ب) بی واژه های نان و خوردن، تناسب و خیمه و شرع، مراعات نظیر است.

پ) دست به شراب کردند: کنایه از شراب نوشیدند.

۳۰- عبارت: «امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد.» چه آرایه ای دارد و مفهوم آن چیست؟

**پاسخ.** در عبارت فوق «امیر از آن جهان آمده.» کنایه از نجات پیدا کردن است.

۳۱- در متن مقابل «و این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط، **قلم در نهاد**. تا نزدیک نماز پیشین» عبارت مشخص شده چه آرایه ای دارد؟

**پاسخ.** ترکیب **قلم در نهاد** کنایه از نوشتن است.

### تاریخ ادبیات

۳۲- نقدر فتی چیست؟

**پاسخ.** بررسی آرایه ها و زیبایی های ادبی یک اثر را نقد فتی می گویند.

۳۳- تفاوت نقد لغوی و نقد فتی چیست؟

**پاسخ.** نقد لغوی به بررسی زبان و اصول و قواعد می پردازد و نقد فنی به آرایه ها و زیبایی های ادبی آن، توجه دارد.

۳۴- نام دیگر تاریخ بیهقی چیست و نویسنده ی آن کیست؟

**پاسخ.** نام دیگر تاریخ بیهقی، تاریخ مسعودی و نویسنده ی آن ابوالفضل بیهقی است.

۳۵- موضوع اصلی کتاب تاریخ بیهقی چیست؟

**پاسخ.** موضوع اصلی کتاب تاریخ بیهقی، شرح سلطنت مسعود، پسر محمود غزنوی است.

۳۶- مهم ترین ویژگی آثار بزرگ ادبی چیست؟

**پاسخ.** مهم ترین ویژگی ها عبارتند از:

(۱) پابندی (۲) گستردگی (۳) مقبولیت

۳۷- ویژگی های سبکی تاریخ بیهقی چیست؟

**پاسخ.** ویژگی های سبکی تاریخ بیهقی عبارتند از:

(۱) داشتن نثر استوار و جذّاب

(۲) به کار نبردن مترادفات

(۳) ذکر جزئیات وقایع

۳۸- نقد اخلاقی چیست؟

**پاسخ.** نقد اخلاقی نقدی است که در آن ارزش های اخلاقی، نقد و بررسی شود.